

# علم أصول الفقه

٦٥

١١-١٢-٩٣ ظهور

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## أسرار القرآن و أحكام الله

• ٤٩٤٠ وَ رَوَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَابِرِ  
عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلِيٍّ ع قَالَتْ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع فِي خُطْبَتِهَا فِي مَعْنَى  
فَدَكَ «٢»

• لِلَّهِ فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ «٣» - كِتَابُ اللَّهِ  
بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ وَ آيٌ مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرَهُ وَ بُرْهَانٌ مُتَجَلِّيةٌ ظَوَاهِرَهُ مُدِيمٌ  
لِلْبَرِيَّةِ اسْتِمَاعُهُ وَ قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ مُؤَدِّيًا إِلَى النَّجَاةِ أَشْيَاعُهُ  
فِيهِ تَبْيَانٌ حُجَجِ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ وَ مَحَارِمِهِ الْمَحْدُودَةِ وَ فِضَائِلِهِ الْمُنْدُوبَةِ  
«٤» وَ جُمْلِهِ الْكَافِيَةِ وَ رُخْصِهِ الْمَوْهُوبَةِ «٥» وَ شَرَائِعِهِ الْمَكْتُوبَةِ وَ  
بَيِّنَاتِهِ الْخَالِيَةِ «١»

## أسرار القرآن و أحكام الله

- (٢) رواها المصنّف في العلل و الكشّيّ في الرجال و الطبرسيّ في الاحتجاج و هي في نهاية الفصاحة و البلاغة و المصنّف أخذ منها هنا موضع الحاجة، و قوله في معنى فدك أي في شأنه، و في بعض النسخ «لله بينكم».
- (٣) لعل المراد بالعهد الكتاب و بالبقية العترة كما في حديث الثقلين.
- (٤) المراد بالمحارم المحرمات و المنهيات، و بالفضائل المندوبة الأمور الواجبة و المستحبة، و بالجمل الكافية الجملات التي يستخرج منها جميع الاحكام كافيا شافيا.

## أسرار القرآن و أحكام الله

- (٥) الرخص في مقابل العزائم و الموهوبة كما في قوله صلى الله عليه و آله «في القصر صدقة تصدق الله بها عليكم فاقبلوا صدقته»، و في بعض النسخ «الموهوبة» أي رخص و رهب في الزيادة عن قدر الضرورة. (م ت)
- (١) المكتوبة: الواجبة أو الأعمّ منها و من الأحكام التي يجب العمل عليها من الديات و المواريث و الحدود (م ت) و البيئات المعجزات و الخالية الماضية، و في بعض النسخ «الجالية» أي الجليّة الواضحة، و لعلّ المراد بالخالية أي الخالية من الاشتباه و الريب كما قيل.

## أسرار القرآن و أحكام الله

- فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِّكَ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبَرِ وَ الزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ وَ الصِّيَامَ تَبْيِيناً لِلْإِخْلَاصِ وَ الْحَجَّ تَسْنِيَةً لِلدِّينِ «٢» وَ الْعَدْلَ تَسْكِيناً لِلْقُلُوبِ وَ الطَّاعَةَ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ وَ الْإِمَامَةَ لِمَا مِنَ الْفُرْقَةِ «٣» وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ

## أسرار القرآن و أحكام الله

- وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى الْإِسْتِجَابِ «٤» وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً عَنِ السَّخَطِ وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْمَاءً لِلْعَدَدِ وَ الْقِصَاصَ حَقًّا لِلدِّمَاءِ وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيزًا لِلْمَغْفِرَةِ وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِيلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسَةِ «٥» وَ قَذْفَ الْمُحْصَنَاتِ حَجْبًا عَنِ اللَّعْنَةِ «٦» وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ إِجَابًا لِلْعَفَّةِ «٧» وَ أَكْلَ أَمْوَالِ الْيَتَامَى إِجَارَةً مِنَ الظُّلْمِ «٨» وَ الْعَدْلَ فِي الْأَحْكَامِ إِيْنَاسًا لِلرَّعِيَّةِ وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ فَ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ فِيمَا أَمَرَكُمْ اللَّهُ بِهِ وَ أَنْتَهُوا عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ

# أسرار القرآن و أحكام الله

- وَ الْخُطْبَةُ طَوِيلَةٌ أَخَذْنَا مِنْهَا مَوْضِعَ الْحَاجَةِ

## الخطبة الفدكية

- «فرض الله الإيمان تطهيرا» من نجاسة «الشرك» و طهارة القلب عن الاعتقادات الخبيثة «و الصلاة تنزيها من الكبر» للركوع و السجود بمكارم بدنه على الأرض و لا يدل على اختصاص العلة بهذه المذكورات فإن لكل منها عللا كثيرة مذكورة في الروايات، و التخصيص للاهتمام لخصوص المقام «و الزكاة زيادة في الرزق» و في الاحتجاج (و الزكاة تزكية للنفس و نماء في الرزق) «و الصيام تبيينا للإخلاص» كما تقدم في قوله الصوم لي و أنا أجرى به (١)، فإنه يمكن أن لا يصوم و يقول: أنا صائم فيه يظهر أنه مخلص لله تعالى.



## الخطبة الفدكية

«للتثبت للدين» أو للتنبيه أو لتبيينه، و في العلل (تسنية) أى توضيحا  
و في الاحتجاج تشييدا أى تقوية «و العدل تسكينا» أو تنسيكا أى  
تعبدا أو تنسكا بمعناه، و في العلل (مسكا) أى إمساكا لها عن الجور و  
الظلم و إرادته، و في الاحتجاج (تنسيقا) أى انتظاما «و الطاعة» أى  
إطاعة أولى الأمر و في الاحتجاج (طاعتنا) أى أهل البيت عليه  
السلام «نظاما للملة» لملة الإسلام «و الإمامة لما» أى اجتماعا «من  
الفرقة» و في الاحتجاج (و إمامتنا أمانا من الفرقة).

# يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ

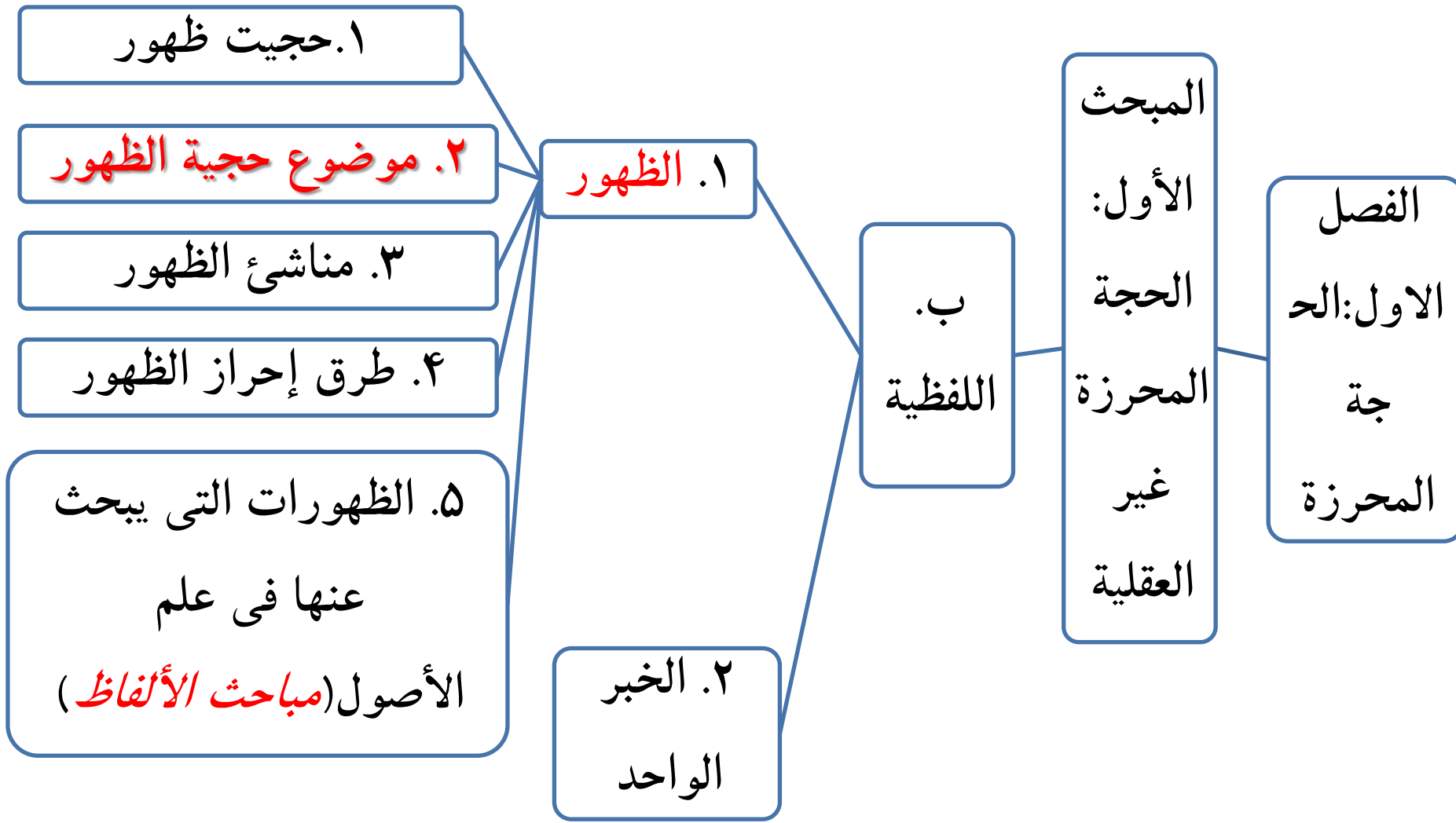
- إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (٤٨)
-

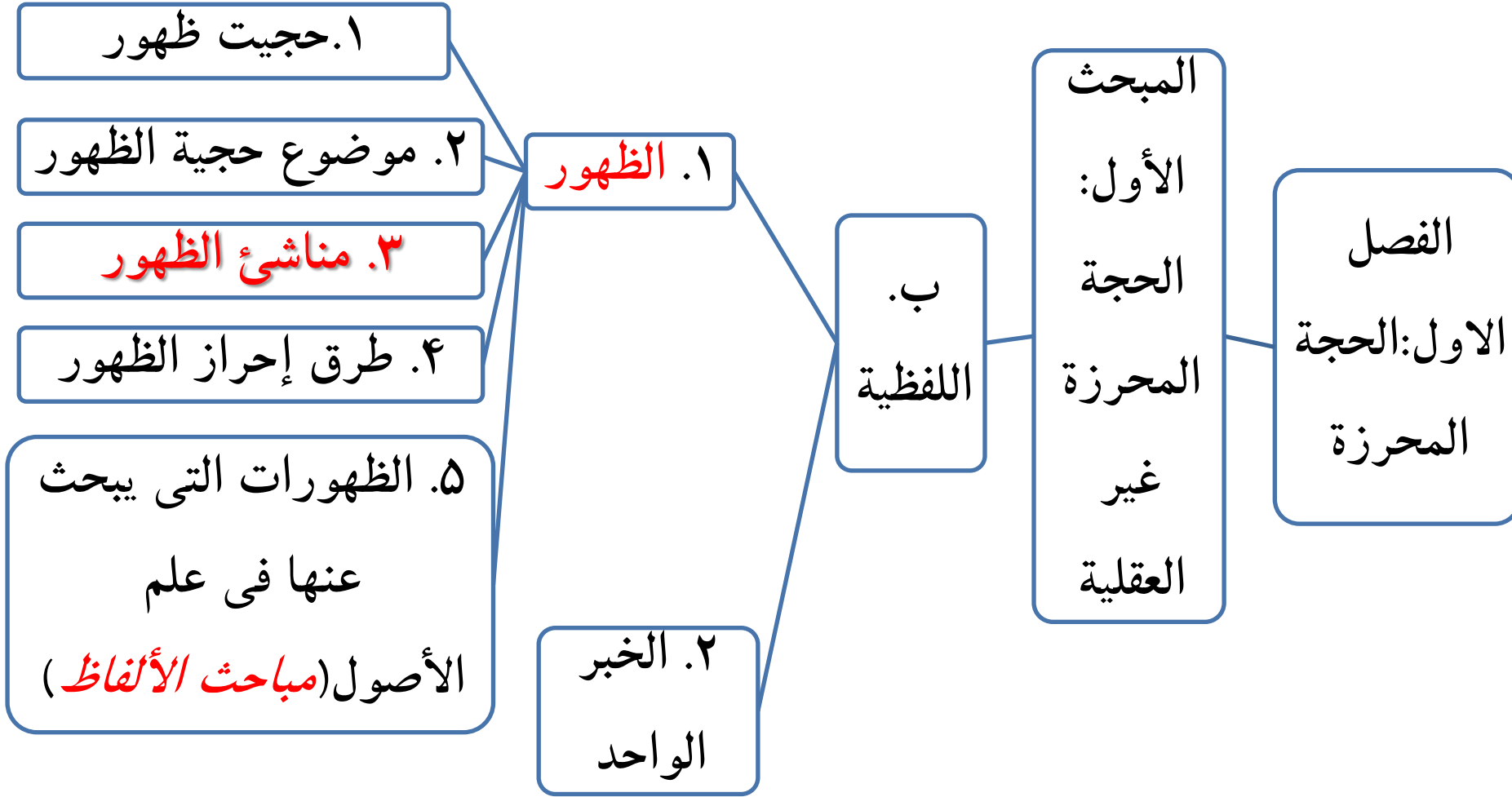
# يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ

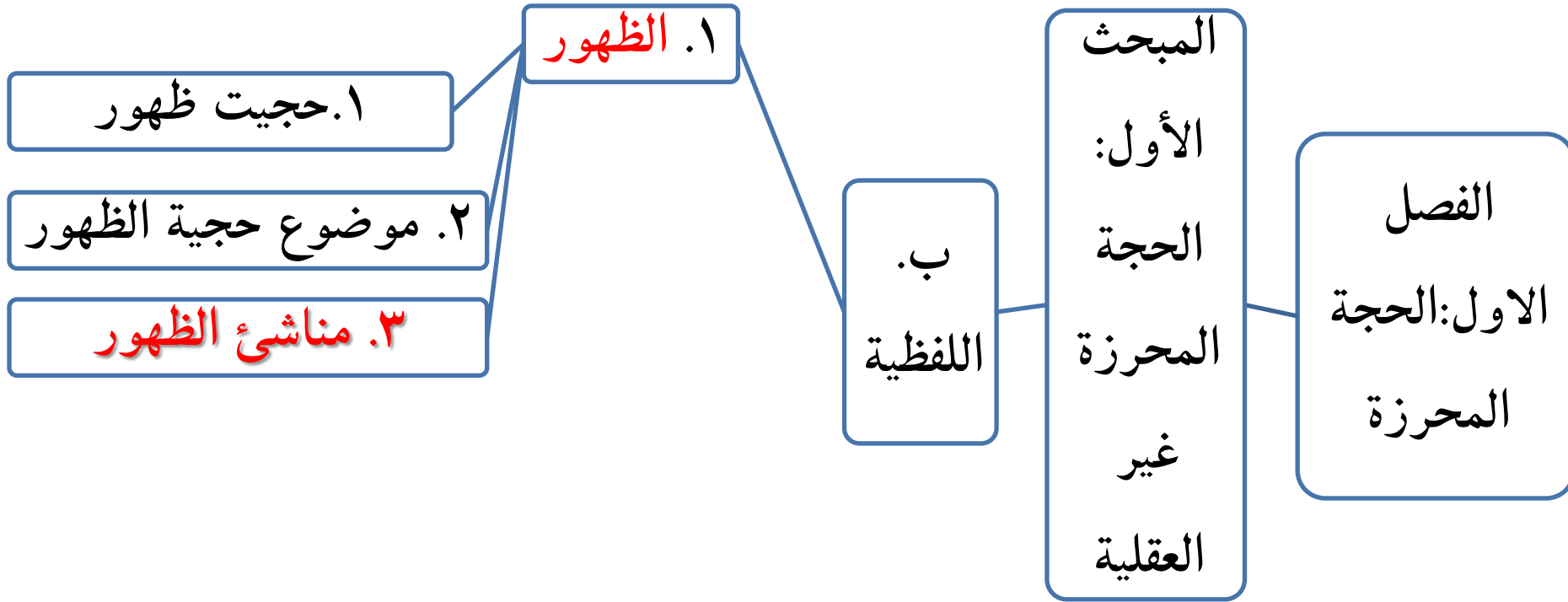
- إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (١١٦)
- 
-

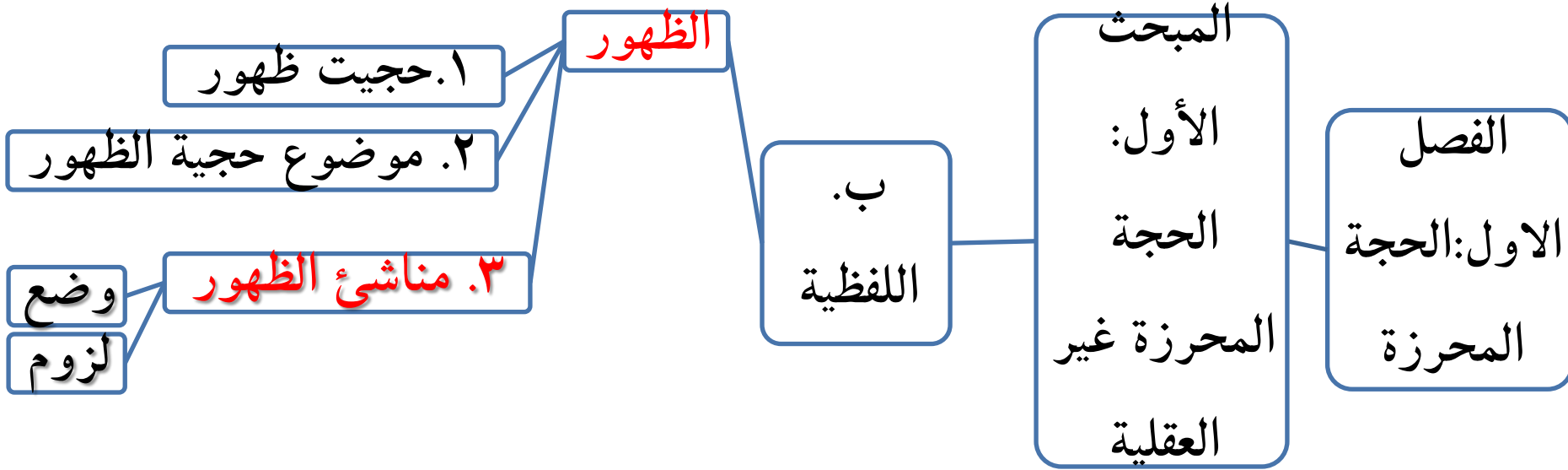
## فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ

• قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (٣١)





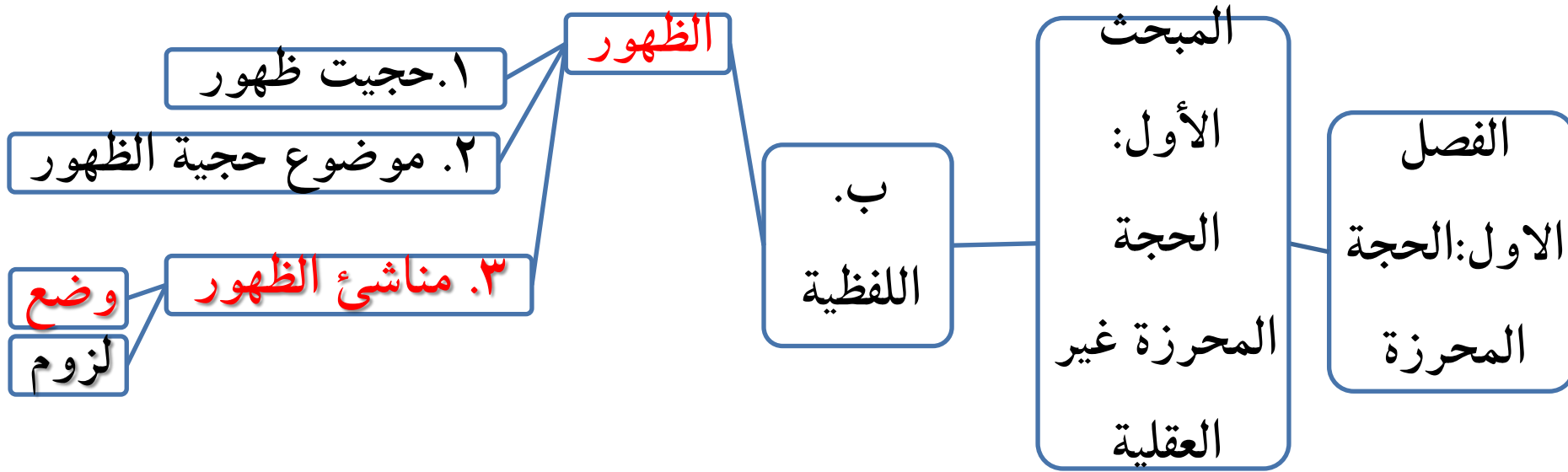






## فصل هفتم: مناشیء ظهور

- فصل هفتم: مناشیء ظهور
- چه چیزهایی باعث می‌شود که یک لفظ در یک معنا ظهور پیدا کند؟  
عوامل یا مناشیء ظهور عبارت است از:

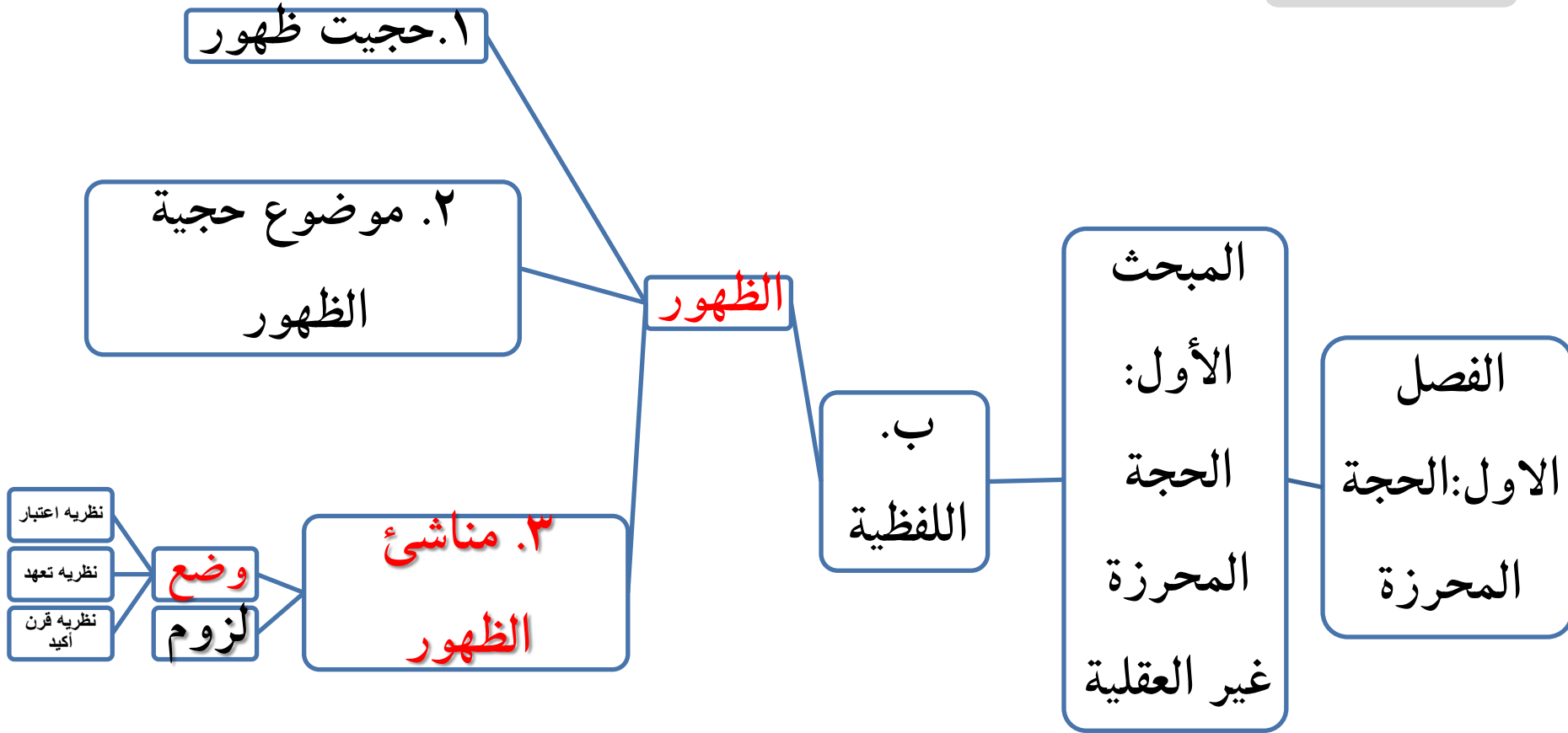


## وضع یکی از مناشیء ظهور

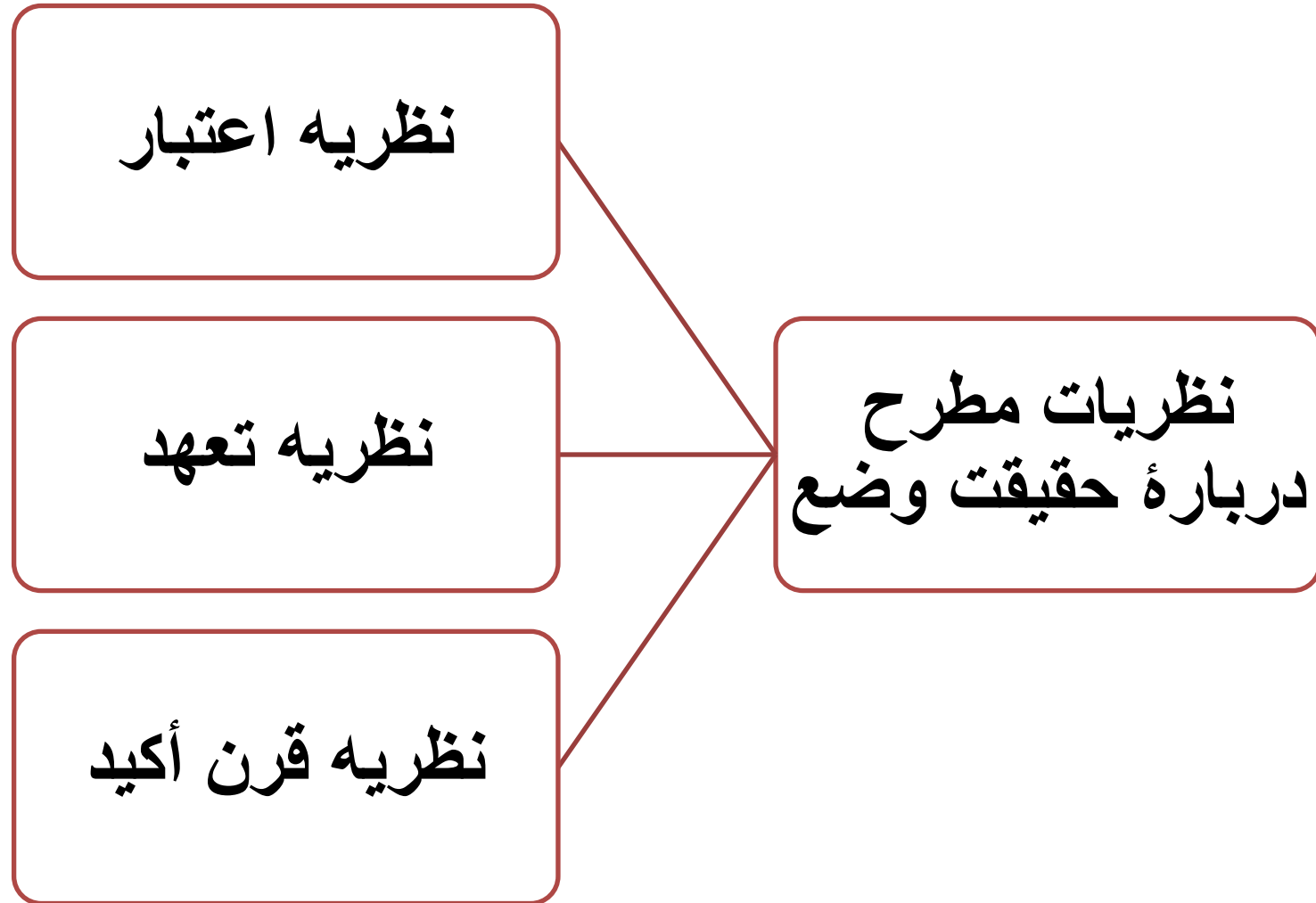
- ۱. وضع
- لفظ یک صوت خاص است که با ابزارهای خاصی توسط انسان ایجاد می‌شود و گاهی از آن تعبیر می‌کنند به صوت معتمد بر مخارج فم.
- معنا امری است که در ذهن ایجاد می‌شود.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- بین این دو فی حد نفسه ارتباطی نیست یا حداقل بین اکثر این آواها و مفاهیم ارتباطی نیست.
- عاملی که این ارتباط را ایجاد می کند وضع است.
- اصولی ها درباره وضع به خصوص در اصول متأخر مفصل بحث کرده اند.



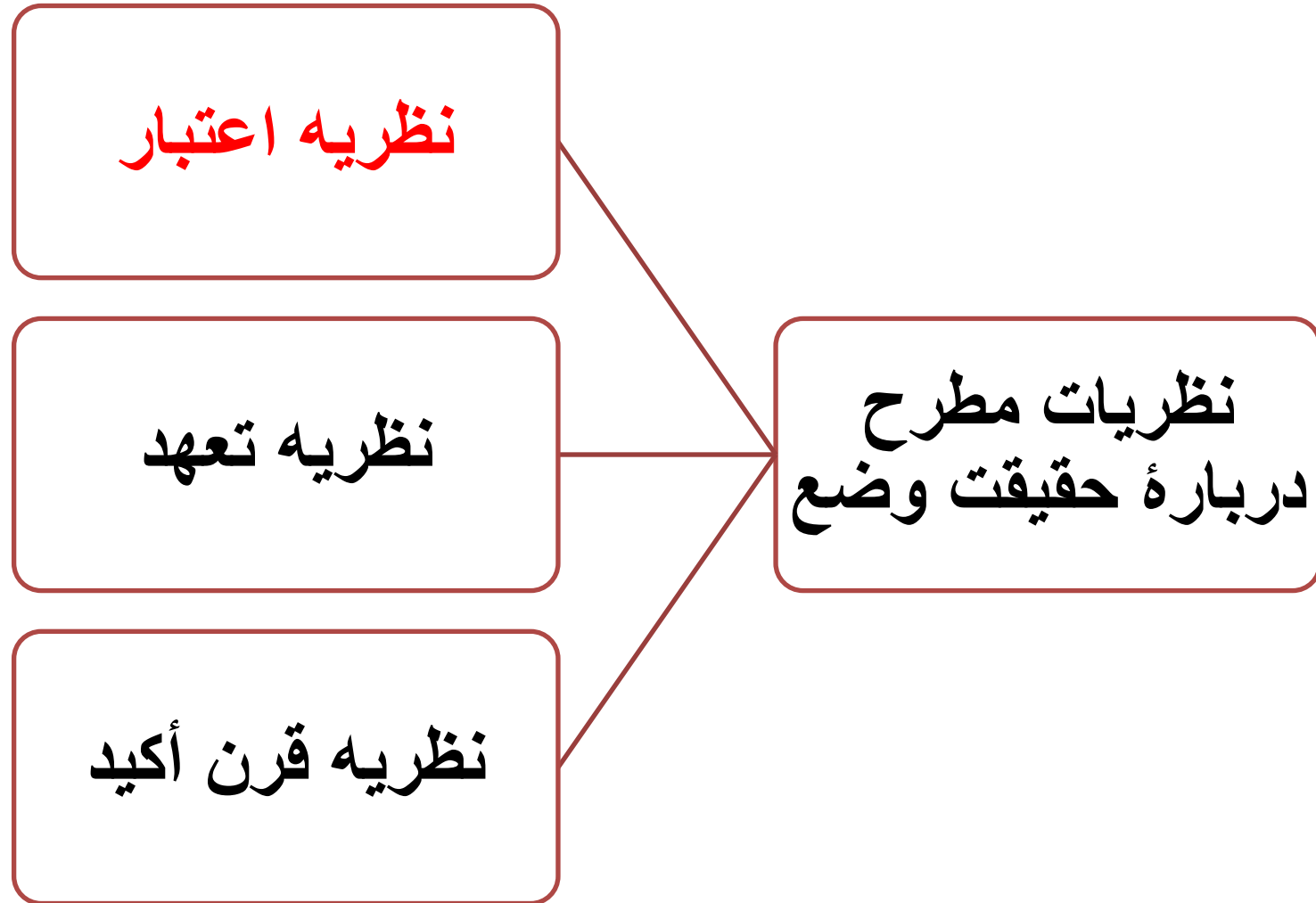
## وضع یکی از مناشیء ظهور



## وضع یکی از مناشیء ظهور

- نظریات مطرح درباره حقیقت وضع
- شهید صدر رضوان الله علیه مجموعه آراء درباره وضع را در سه رأی خلاصه کرده است:

## وضع یکی از مناشیء ظهور





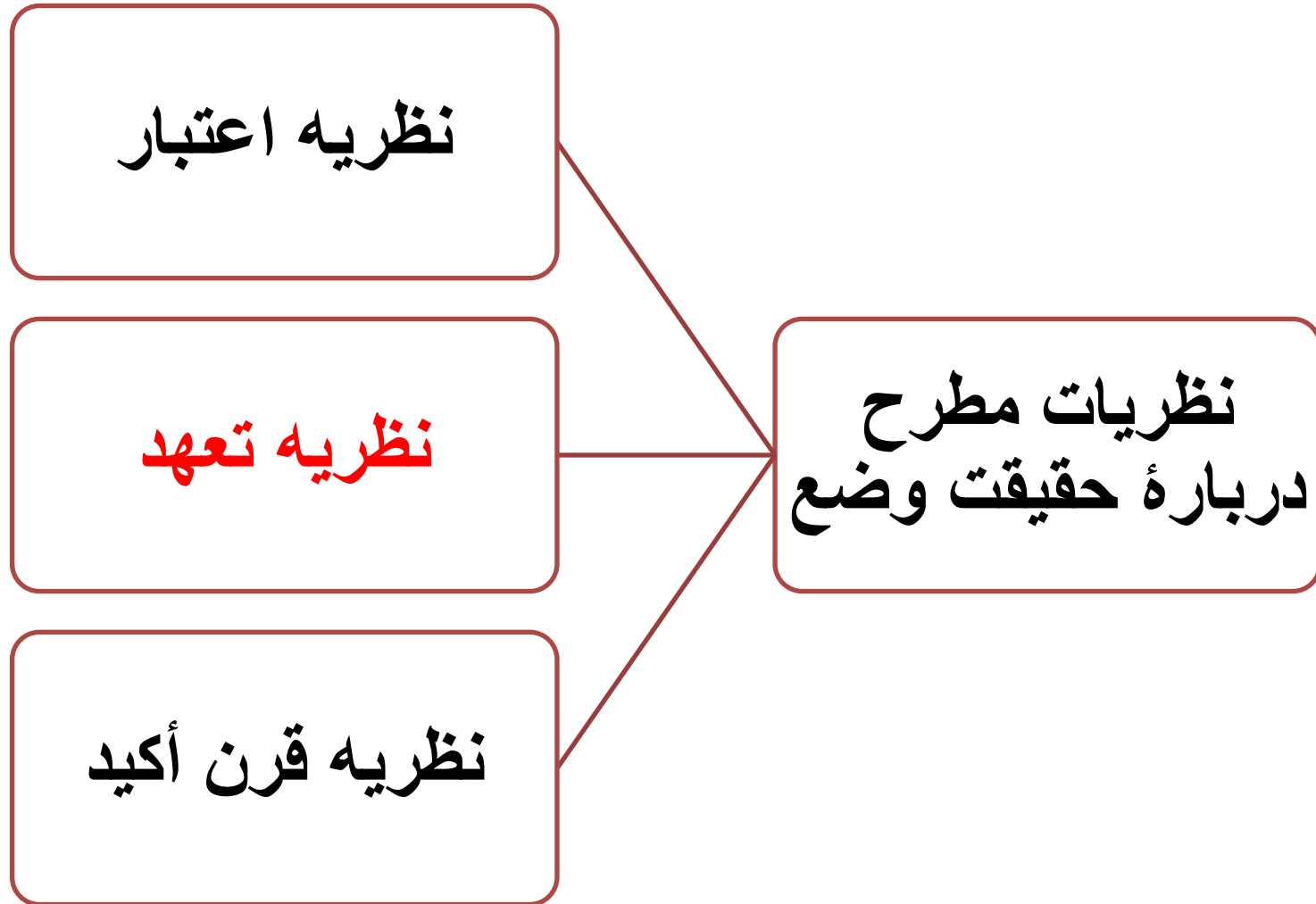
## وضع یکی از مناشیء ظهور

- نظریة اعتبار
- مشهور اصولی‌ها معتقدند وضع نوعی اعتبار و قرار داد است و بر اساس آن الفاظ برای معانی اعتبار می‌شوند. بنابراین هویت وضع از دیدگاه اکثریت اصولی‌ها اعتباری است.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- قرار داده شدن ترجمه فارسی کلمه وضع است.
- در فرآیند وضع، لفظ آب برای معنا و تصور آب وضع می شود نه خود آن مایع بی رنگ و بی بوی خارجی.
- با این اعتبار رابطه ای بین لفظ آب و معنای آن در ذهن برقرار می شود. به تعبیر صاحب کفایه رضوان الله علیه وضع عبارت است از نوعی اختصاص بین لفظ و معنا.

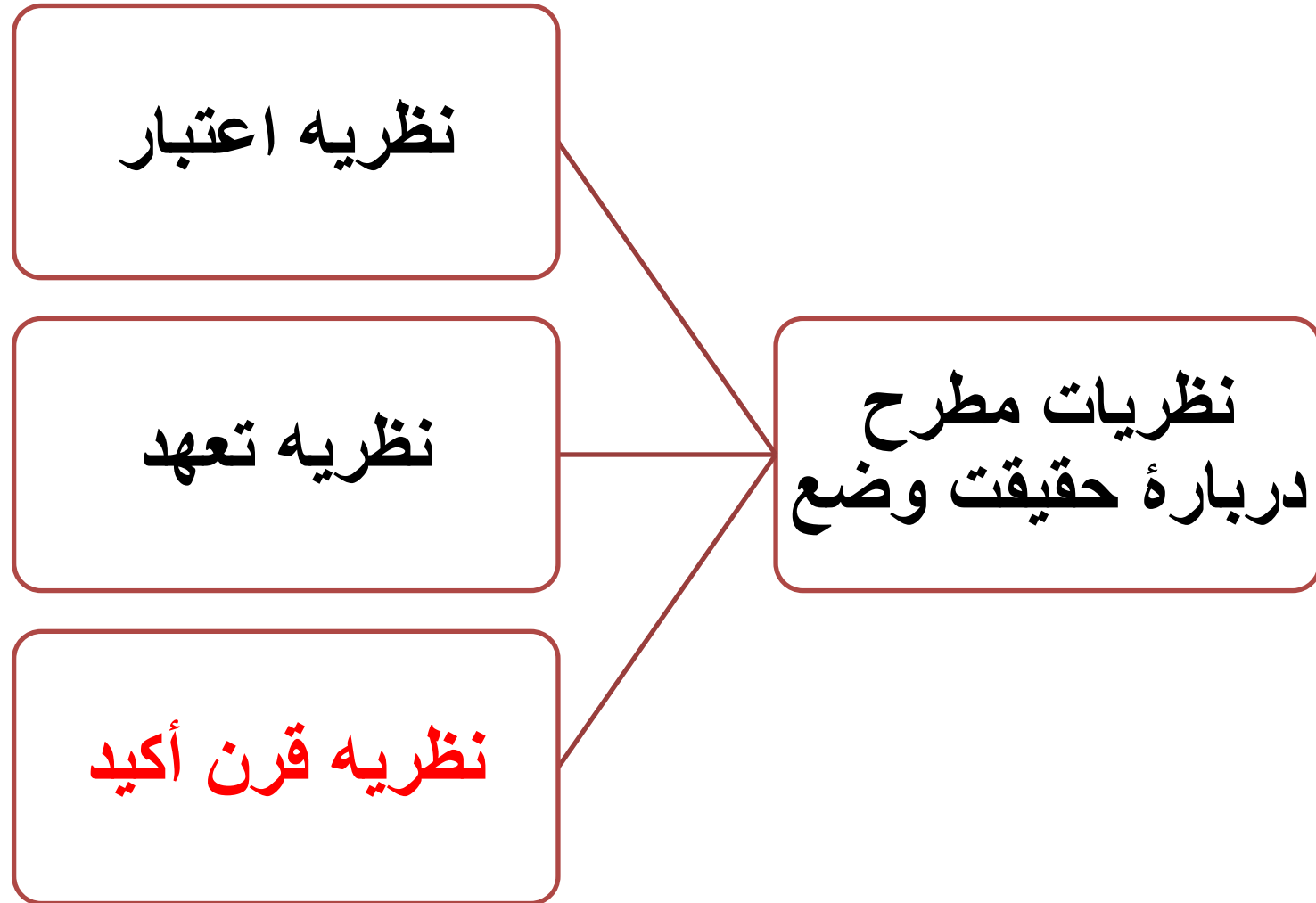
## وضع یکی از مناشیء ظهور



## وضع یکی از مناشیء ظهور

- نظریة تعهد
- برخی دیگر از اصولی‌ها مثل آیت الله حائری یزدی رضوان الله علیه و آیت الله خوئی رضوان الله علیه نظریة تعهد را برگزیده‌اند.
- بر اساس این نظریه، شخص متکلم تعهد می‌کند هرگاه لفظی را بر زبان جاری کرد، معنای خاصی را از آن اراده کرده باشد.
- در واقع بین دو رفتار که یکی ایجاد لفظ و دیگری اراده معنا با تعهد ارتباط برقرار می‌شود و ارتباط بین خود لفظ و خود معنا نیست.

## وضع یکی از مناشیء ظهور



## وضع یکی از مناشیء ظهور

- نظریة قرن اکید
- شهید صدر رضوان الله علیه معتقد است که ارتباط بین لفظ و معنا یک ارتباط حقیقی است.
- نه از سنخ اعتبار است که نظریة اول قائل است و نه از سنخ تعهد که در نظریة دوم مطرح است.
- حقیقت وضع یک ارتباط تکوینی بین تصور لفظ و تصور معنا است.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- در حقیقت در پی فرآیند وضع بین این دو تصور در ذهن یک رابطه واقعی پیدا می‌شود بدین صورت که از تصور لفظ به تصور معنای آن منتقل می‌شویم.
- ایشان معتقد است که این ارتباط واقعی در واقع همان بحثی است که پائولف، روان‌شناس روسی تحت عنوان نظریة انعکاس شرطی مطرح کرده است.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- او معتقد بود وقتی دو تصور در ذهن تقارن پیدا کردند، گاهی بین این دو تصور یک ارتباطی برقرار می‌شود که از یکی از این دو تصور به صورت قهری به تصور دیگر انتقال پیدا می‌یابیم. پائولف در آزمایش معروفش هر بار که به سگ خودش غذا می‌داد، زنگی به صدا درمی‌آورد.



## وضع یکی از مناشیء ظهور

- بعد از اینکه پائولف مدتی این کار را تکرار کرد، مشاهده کرد با به صدا درآمدن زنگ، بزاع دهان سگ شروع به ترشح می‌کند و آب دهانش جاری می‌شود. از این نتیجه گرفت که بین تصور صدای زنگ و تصور غذا در ذهن این سگ ارتباط برقرار شده است به گونه‌ای که با شنیدن صدای زنگ به تصور غذا منتقل می‌شود و در نتیجه با تصور غذا آب دهانش ترشح می‌کند و جاری می‌شود.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- بر اساس نظریة پائولف ارتباط بین این دو صورت یک امر تکوینی است و تابع ارادة ما و آن سگ نیست. اینکه این سگ بخواهد یا نخواهد نقشی در پیدایش این انتقال ندارد.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- این ساختار موجود در ذهن سگ را ما ایجاد نکرده‌ایم، ما فقط تقارن بین این دو تصور را ایجاد کردیم و وقتی که این دو تصور با هم به صورت مکرر تقارن پیدا کرد، این رابطه انتقال پدید می‌آید؛ مثل اینکه آهنی را حرارت می‌دهم و منبسط می‌شود.
- این انبساط بین آتش و آهن بر اساس یک قانونی است که اجرای شدن آن قانون دست من نیست و یک امر واقعی است. من فقط مصداقش را ایجاد کرده‌ام.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- پائولف مدعی است که در ذهن بشر یک قانونی وجود دارد که وقتی دو تا تصور با هم تقارن پیدا می‌کنند، بین آن دو رابطه‌ای پیدا می‌شود که از تصور یکی به دیگری منتقل می‌شویم؛ البته حقیقی در اینجا در مقابل اعتباری است نه در مقابل ذاتی.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- پائولف نمی خواهد بگوید که در ذهن همه سنگ‌ها بین صدای زنگ و تصور غذا ارتباط هست. پائولف می خواهد بگوید این ارتباط واقعی بین این دو تصور الآن در ذهن این سنگ خاص پیدا شده است و این ارتباط نتیجه قوانین حقیقی حاکم بر ذهن این سنگ بوده است.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- شهید صدر رضوان الله علیه همین نظریه را در وضع می پذیرد و می گوید در ذهن کسانی که با یک زبان آشنا هستند بین الفاظ و معانی آن یک ارتباط واقعی پیدا شده است و این ارتباط واقعی بر اساس قوانین موجود در ذهن ما شکل می گیرد؛ به عبارت دیگر خداوند تبارک و تعالی ذهن من را طوری ساخته است که وقتی دو صورت ذهنی که هر دو امری عینی هستند با همدیگر به یک شکل خاصی تحقق پیدا کردند، بین آن دو در ذهن من واقعاً ارتباطی پیدا می شود بدین گونه که من از یک صورت منتقل به صورت دیگر می شوم.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- شهید صدر رضوان الله علیه این نظریه را قرن اکید (تقارن شدید) می نامد و علتش هم این است که وی توجه دارد که ادعای پائولف این نیست که هر دو چیزی که با هم تصور شوند، بینشان ارتباط برقرار می شود، بلکه بعضی از موارد است که این تقارن باعث می شود که از یکی به دیگری منتقل بشویم و آن موارد در جایی است که این تقارن به صورت مؤکد باشد.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- . بحوث فی علم الأصول، ج ۱، ص ۷۲ - ۸۳.
- . کفایة الأصول، ص ۹.



## وضع یکی از مناشیء ظهور

- . حائری الیزدی، عبد الکریم، درر الفوائد، ۳۵.
- . الخوئی، السید ابوالقاسم، دراسات فی علم الأصول (تقریر: السید علی هاشمی الشاهرودی)، ج ۱، ص ۳۱.
- . این نظریه به نظریه آقای خوئی رضوان الله علیه معروف شده است؛ لیکن این نظریه قبل از ایشان مطرح شده است و گویا حتی قبل از مرحوم آقای حائری هم بعضی از معاصرین مرحوم آخوند رضوان الله علیه همین نظریه را مطرح کرده بودند. بنابراین آقای خوئی رضوان الله علیه صرفاً این را برگزیده‌اند. از آنجا که علمای نجف در بسیاری از موارد از آراء علمای دیگر خبر نداشتند، فکر کردند که ایشان این نظریه را ابداع کرده‌اند حتی خود شهید صدر رضوان الله علیه هم دائم آن را به عنوان نظریه آقای خوئی رضوان الله علیه مطرح می‌کند.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- نظر نهایی در حقیقت وضع
- این سه نظریه در عرض هم نیستند. در واقع هر سه ناظر به یک مطلب نیستند.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- نظریه اول (نظریه اعتبار) و دوم (نظریه تعهد) ناظر به یک مطلب هستند در حالی که نظریه سوم (قرن تأکید) ناظر به مطلب دیگری است.
- در واقع چیزی را که شهید صدر رضوان الله علیه توضیح داده است.
- بیان حقیقت دلالت لفظی است نه بیان منشأ این دلالت در حالی که وضع منشأ دلالت است نه خود دلالت.

## وضع یکی از مناشیء ظهور

- آن علقه حقیقی که شهید صدر رضوان الله علیه از آن صحبت می کند در تمام انواع دلالت ها وجود دارد.
- هر جا که دلالتی هست ذهن ما به گونه ای شده است که از تصور دال به تصور مدلول منتقل می شود.

# وضع یکی از مناشیء ظهور

